

بازسازی حقوق بین‌الملل کیفری؛ بررسی ساختار قضایی دادگاه اختصاصی سیرالئون به منظور دستیابی به ویژگی‌های دادگاه‌هایی با سیستم حقوقی نوین

همایون مافی^۱، حمید میری^{۲*}
۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه مازندران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران
(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱/۲۵)

چکیده

پس از رویداد جنایات جنگی گسترده در یوگوسلاوی سابق و رواندا چندین محکمه کار رسیدگی به جنایت جانین را آغاز نمودند، برای یوگوسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی کیفری این کشور و برای رواندا دادگاه‌های ملی و گاکاکا، دادگاه‌های ملی خارجی و دادگاه بین‌المللی کیفری به محاکمه مجرمان پرداختند. این شکل از رسیدگی به جنایات باعث گردید که حقوق بین‌الملل کیفری کاملاً متمایز از حقوق داخلی در این کشورها نقش آفرینی نماید. در پی تحولات حقوق بین‌الملل کیفری و شکل‌گیری محاکمی جدید همچون دادگاه ویژه سیرالئون، آمیزه‌ای از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری با اصول و قواعد حقوق داخلی در ساختار دادگاه‌های نوین استفاده شد. ویژگی‌های مثبت این سیستم حقوقی جدید باعث گردید که گرایش به سوی خلق این نوع محاکم هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی مسؤول و هم کشورهای محل وقوع جنایات شدت بگیرد.

واژگان کلیدی

نسل‌کشی، رواندا، دادگاه‌های دویپوندی، دادگاه ویژه سیرالئون، شعبات فوق‌العاده برای کامبوج.

مقدمه

قطعنامه ایجادکننده دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق^۱ هدف از استقرار این دادگاه را کمک به بازگردانی صلح و آرامش به مناطق بحران زده این کشور اعلام می‌نماید. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا^۲ نیز بیان می‌دارد که محاکمه مرتکبان جنایات در جریان منازعات قومی این کشور به جهت کمک به فرآیند بازگردانی صلح و آرامش ملی به این کشور صورت خواهد گرفت. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۳ نیز محاکمه جنایتکاران را با حفظ صلح، امنیت و سعادت جهان مرتبط می‌داند. این اهداف کم و بیش در دادگاه‌هایی با ساختار نوین همچون دادگاه ویژه سیرالئون که از آن‌ها با عنوان دادگاه‌های دو پیوندی یاد می‌گردد نیز دیده می‌شود. در یک کلام، محاکمه جانیان درگیری‌های قومی و شهری پیام روشنی به آشوبگران در سایر کشورها است، مبنی بر اینکه جامعه بین‌المللی در برابر این‌گونه حوادث شکیبنا نخواهد بود.

اما اینکه این اهداف در عمل تا چه اندازه محقق شد و این دادگاه‌ها تا چه میزان در تحقق نیازها موفق بودند، جای تحلیل و بررسی است. در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا که از سوی شورای امنیت ایجاد شدند، اگرچه بسیار کوشش شد که به مهم‌ترین جرایم بین‌المللی در جریان محاکمات آن‌ها توجه شود، ولی با وجود این، توجه نکردن به استعدادهای حقوق داخلی کشورهای محل وقوع حادثه و اندیشه‌های خبرگان آن‌ها از جمله ویژگی‌های منفی برای آن‌ها به شمار می‌آید. از سوی دیگر، از لحاظ اداری، هزینه‌های بالا و سرسام‌آور اداره این محاکم و مشارکت نداشتن کشورهای محل درگیری و حتی دخالت‌های آن‌ها، جریان کاری این دادگاه‌ها را با موانع جدی روبرو کرده است. به دلیل وجود این مشکلات در ابتدای قرن بیست و یکم، محاکم جدیدی خلق شد تا ضمن تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران، هم به حقوق داخلی و هم حقوق بین‌المللی توجه گردد و در این راستا از نظرات، تجربیات و راهکارهای هر دو سیستم به بهترین شکل استفاده گردد و در پرتو این ارتباط، به ویژه حقوق داخلی آن

1. Security council resolution 808 (1993)

2. Statute of international criminal tribunal for rwanda (ICTR)

3. Rome statute of the international criminal court

کشورها مورد بازسازی و شکوفایی قرار گیرد و حتی موجب ارتقای حقوق بین‌الملل نیز واقع شوند.

در این نوشتار نخست به بررسی کوتاهی در مورد تشکیلات قضایی رسیدگی کننده به جرایم رخ داده در جریان نسل‌کشی در کشور رواندا خواهیم پرداخت و مختصر نقدی را نیز در مورد مسایل مربوط به آن‌ها بیان خواهیم نمود تا در بخش آتی ضمن بررسی ویژگی‌های محاکم با سیستم دو پیوندی، به بیان و توضیح جهات افتراق این محاکم با سیستم کلی حقوقی رسیدگی کننده به جرایم در یوگوسلاوی سابق و به ویژه در رواندا نیز پرداخته شود. بر این اساس، در بخش دوم در کنار سخن گفتن درباره سیستم حقوقی دو پیوندی، به بررسی روند تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون و شعبات فوق‌العاده کامبوج^۱ پرداخته خواهد شد تا در ضمن تحلیل ساختار و صلاحیت‌های آن‌ها به تحولات حقوق بین‌الملل کیفری در سال‌های پس از استقرار محاکم دست ساخته شورای امنیت نیز پرداخته شود.

مروری بر رویدادهای رواندا؛ از نسل‌کشی تا رسیدگی به جنایات

نسل‌کشی

پانزده سال پیش در فاصله زمانی میان آوریل تا جولای ۱۹۹۴ میلادی در قوم‌کشی‌ای که در کشور روندا رخ داد، افراد بسیاری به کام مرگ کشیده شدند که سرآغاز آن ساقط شدن هواپیمای حامل رئیس‌جمهور این کشور بود. جنایت نسل‌کشی شدیدترین نوع جنایت در کنار جنایات علیه بشریت در این کشور بوده است.

رسیدگی به جنایات

پس از وقوع جنایات متعدد در جریان کشتار مردم رواندا، رسیدگی قضایی به این جنایات از چهار طریق صورت گرفته است؛

۱. دادگاه‌های داخلی،
۲. دادگاه‌های ملی خارجی،
۳. دادگاه‌های گاکاکا^۲،
۴. دادگاه بین‌الملل کیفری رواندا.

1. Extraordinary chambers for cambodia
2. Gacaca

برداشت‌ها

دادگاه‌های ملی کشور رواندا کاملاً متمایز از قواعد حقوق بین‌المللی کیفری به بررسی، محاکمه و مجازات مجرمان پرداختند. ولی روند رسیدگی‌های این دادگاه‌ها بسیار کند و ایستا بود. در دادگاه‌های خارجی اگرچه به وصف بین‌المللی بودن جرایم توجه می‌شد، ولی به دلیل دور بودن کشورهای محل رسیدگی از محل حادثه و جهت‌گیری‌های سیاسی نمی‌توان انتظار ویژه‌ای از آن‌ها داشت، مضافاً اینکه شمار این دعاوی بسیار انگشت‌شمارند.

از محاکم گاکاگا نیز نمی‌توان انتظار رعایت قواعد حقوق بین‌المللی کیفری را در جریان رسیدگی‌های آن‌ها داشت، زیرا دادرسان آن‌ها عموماً از ریش‌سفیدان محلی هستند و اگرچه خود قربانیان نقش چشم‌گیری در نحوه رسیدگی‌ها دارند ولی از این ضعف نیز نمی‌توان به سادگی گذشت.

مبنای رسیدگی به جنایت در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، اگرچه جنبه بین‌المللی بودن جرایم است، ولی نادیده گرفتن ویژگی‌های محل وقوع حادثه و جنبه‌های مختلف جرایم و نیز قوانین داخلی این کشور از ضعف‌های آن به شمار می‌آید. مصداق بارز عدم توجه به محل وقوع جنایات را می‌توان در انتخاب مقر این دادگاه مشاهده نمود زیرا مقر آن در خارج از کشور رواندا و در جمهوری تانزانیا مستقر گردید.

همه این عوامل و ضعف‌ها در اساس کار دادگاه‌های دست‌ساخته شورای امنیت و نیز عدم برآورده نمودن نیاز جهانی برای محاکمه جانیان بر اساس اصول وقواعد حقوق بین‌الملل از سوی سیستم‌های حقوقی کشورهای محل وقوع جنایات، اندیشه ایجاد دادگاه‌هایی را بنا نهاد که در خود اختلاطی از سیستم‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی را دارا هستند.

حرکت به سوی ایجاد محاکم بین‌المللی با ساختاری نوین

دادگاه‌های بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و رواندا که در دهه پایانی قرن بیستم به عنوان نهادهای کمکی سازمان ملل و بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل و توسط شورای امنیت تأسیس گردیدند، به دنبال این هدف مشترک بودند که به جرایم رخ داده بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری به بحث و بررسی پرداخته شود. از آنجا که این دو دادگاه از بدو پیدایش متشکل از دادرسان بین‌المللی (غیر داخلی) و مستقر در

مقره‌های بین‌المللی بودند، شاید بتوان این امر را به خوبی برداشت نمود که جامعه بین‌الملل نسبت به فرآیند و سیستم حقوقی داخلی کشورهای محل درگیری اطمینان خاطر نداشته است. اما این نگرش پس از ایجاد این دو دادگاه و شروع به کار آن‌ها تغییر کرد، به گونه‌ای که دید نوینی برای مشارکت دادن نهادها و اصول و قواعد و مقررات داخلی به طور کاملاً گسترده‌ای در ایجاد و عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی به وجود آمد، به گونه‌ای که هم اعمال قواعد حقوق کیفری داخلی و هم بین‌المللی بر مجرمان ممکن باشد.

محاكم نوین که به محاکم دو پیوندی یا مختلط^۱ شهرت یافتند، حاصل این نگاه جدیدند. دادگاه‌های تأسیس شده در سیرالئون^۲ و تیمور شرقی در سال ۲۰۰۰، کامبوج و عراق در سال ۲۰۰۳، بوسنی در سال ۲۰۰۵ و لبنان و کوزوو در سال ۲۰۰۷ از جمله این دادگاه‌ها هستند. این محاکم از این جهت دو پیوندی نامیده می‌شوند که ساختار آن‌ها ترکیبی از بخش‌های ملی و بین‌المللی است. در این محاکم ادغامی از دادرسان بین‌المللی و داخلی دیده می‌شود که اصول و قواعد و مقررات داخلی (ملی) و بین‌المللی را اعمال می‌نمایند (بریا^۳، ۲۰۰۵، ص ۵).

پس از بررسی دورنمای درگیری، ساختار و تشکیلات قضایی رسیدگی‌کننده به جرایم به وقوع پیوسته در طول درگیری، اینک جهت شناخت دلایل گرایش به سوی ایجاد دادگاه‌هایی با ساختاری نوین به بررسی ویژگی‌های سیستم حقوقی نوین این دادگاه‌ها و ساختار آن‌ها با تمرکز اصلی بر روی دادگاه اختصاصی برای سیرالئون^۴ می‌پردازیم و با کنکاش دورنمای درگیری‌ها در این کشور، فرآیند تشکیل دادگاه ویژه این کشور و ساختار قضایی آن، در این میان به بررسی و بیان جهات افتراق حوادث مربوط به این کشور و پی‌آمدهای حقوقی و غیر حقوقی آن با آنچه در یوگوسلاوی سابق و به ویژه در رواندا اتفاق افتاده بود، خواهیم پرداخت.

1. Hybrid or mixed tribunals

2. Sierra leone

3. Barria

4. The special court for sierra leone(SCSL)

امتیازات دادگاه‌ها با سیستم دو پیوندی

۱. دادگاه در جایی مستقر است که جنایات در آنجا اتفاق افتاده است

الف - دسترسی بهتر و سریع‌تر به شاهدان و ادله: یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های استقرار دادگاه در کشوری که جنایات در آنجا رخ داده است، دسترسی قضات، دادستان به قربانیان، ادله و محل حوادث خواهد بود، همچنان که در دادگاه ویژه سیرالئون که در فری تاون مستقر است، دادستان این دادگاه دسترسی مستقیمی به بسیاری از قربانیان و مجرمان دارد و بی‌تردید این ویژگی باعث شده است که رسیدگی‌کنندگان به منظور کشف و جمع‌آوری دلایل بدون نیاز به صرف وقت بسیار در جریان محاکمات و در نتیجه اطاله دادرسی، بسیار آسان‌تر به محل‌هایی که جنایات در آنجا رخ داده بود، دست یابند.

از سوی دیگر، قربانیان می‌توانند برای سوگند خوردن احساس راحتی و آرامش بیش‌تری نمایند، زیرا آن‌ها در کشور خود و تحت حمایت خانواده و خویشاوندان خود سوگند می‌خورند.

ب - تقویت سیستم حقوقی کشور محل دادگاه: یکی از مهم‌ترین امتیازات استقرار دادگاه در محل وقوع جنایات، کمک در جهت پیشرفت سیستم حقوقی و قضایی آن کشور می‌باشد و همچنان که قاضی پیر^۱ از دادرسان دادگاه سیرالئون اشاره دارد «هدف برجسته این دادگاه استقرار دوباره مقررات و قواعد حقوقی در این کشور و نشان دادن این امر به مردم است که عدالت می‌تواند دوباره در این سرزمین برپا گردد».

ماده یک توافق نامه میان سازمان ملل و حکومت کامبوج نیز هدف از استقرار شعبات فوق العاده برای این کشور را همکاری این سازمان و حکومت کامبوج جهت محاکمه رهبران کامپوچه دموکراتیک و اشخاصی که بیش‌ترین مسؤولیت را به خاطر ارتکاب جنایات موصوف در قوانین کیفری کامبوج و ارتکاب جنایات علیه حقوق بشر و نقض معاهدات بین المللی که توسط کشور کامبوج مورد تایید قرار گرفته است، بر دوش می‌کشند، اعلام داشته است.

ج - ملت ستم‌دیده دسترسی بیش‌تری به دادرسی‌های دادگاه خواهند داشت: آگاهی مردم از روند دادرسی‌ها نقش بسزایی در ادامه کار دادگاه خواهد داشت، چه در مورد

1. Pierre Bourin, Justice of the Special Court of Sierra Leone

موفقیت‌های دادگاه و چه ناکامی‌های آن. مثلاً در دادگاه ویژه سیرالئون از آنجا که ملت این کشور در اصل قربانی جنگ است، چنانچه دادگاه ویژه کمکی برای تسکین درد این مردم نباشد، مردم می‌توانند اعتراض خود را به دادرسان نشان دهند و آن‌ها را از انحراف از مسیرهای تعیین شده و یا درگیر شدن در مسایل سیاسی و سوء مدیریت بازدارند. این ویژگی نمود بارزتری خواهد داشت، هنگامی که قربانیان جنایات در نزدیکی دادگاه حضور داشته باشند و به دیگر سخن، دادگاه در میان قربانیان بنا گردیده باشد.

۲. استفاده از حقوق کیفری داخلی در کنار حقوق بین‌الملل کیفری

اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون از جنایات جنسی و جرایم علیه اموال به عنوان جرایمی که در جریان درگیری‌ها در این کشور به طور گسترده رخ داده است، نام می‌برد. باید توجه داشت که هر جنگ ویژگی‌های خاص خود را دارد. جرایم عمومی همچون جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی و نقض ماده ۳ معاهده وین که در هر سه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا و یوگوسلاوی سابق تجسم یافته‌اند، به عنوان نقطه آغاز خوبی هستند، ولی همیشه برای نشان دادن همه نوع جنایاتی که در درگیری‌ها رخ می‌دهند، کافی نخواهند بود. اعمال حقوق کیفری داخلی نقش خود را در مواردی نشان خواهد داد که برخی از جنایات در چهارچوب جنایات مشترک بالا نمی‌گنجند و یا قوانین بین‌المللی نسبت به آن‌ها ساکتند و یا برای روشن نمودن زوایای ناشناخته یک عمل مجرمانه از آن‌ها استفاده می‌گردد. به عنوان نمونه، حقوق کیفری سیرالئون در جاهایی اعمال می‌گردد که یک موقعیت خاص و یا یک جنبه از عمل مورد لحاظ قرار می‌گیرد که آن موارد در حقوق بین‌الملل کیفری مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند.

از سوی دیگر، دسترسی به قوانین ملی به دادگاه‌ها امکان تلاش بهتر برای دستیابی به عدالت برای همه قربانیان فارغ از نوع جنایت را خواهد داد و دادگاه‌های همسان آینده نیز خواهند توانست جنبه‌های مرتبطی از قوانین ملی خود را به منظور کسب اطمینان از اینکه دادرسی‌ها و مجازات‌ها همه نوع جرایم را دربر می‌گیرد، بر جرایم مختلف اعمال نمایند.

مشکلات دادگاه‌ها با سیستم دو پیوندی

۱. اتکا به بودجه‌هایی که از سوی کشورها تأمین می‌گردد

یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش به تأسیس چنین دادگاه‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی، هزینه‌های هنگفت دادگاه‌های بین‌المللی کیفری رواندا و یوگوسلاوی سابق است. به همین دلیل دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی که در مورد ایجاد دادگاه ویژه سیرالئون در سال ۲۰۰۰ ارائه نمود^۱، اعلام داشت که تنها ساز و کار کسب درآمد برای این دادگاه، کمک‌هایی است که کشورها تقبل می‌نمایند. اما نگرانی مهم این است که این کمک‌های اختیاری به دلایلی چون ریسک بالای عدم کفایت آن‌ها و یا نیاز به دسترسی مستمر به منبع درآمد، به هیچ عنوان مطلوب نخواهند بود. بند ۴ ماده ۴۴ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده نیز به این کمک‌های اختیاری اشاره دارد.

در مورد شعبات فوق‌العاده کامبوج، حکومت این کشور پوشش دادن به هزینه‌های مربوط به امکانات سخت‌افزاری برای دادگاه همچون هزینه‌های ساختمان محل دادگاه و نیز هزینه‌های کارکنان کامبوجی را تقبل نمود و سازمان ملل متحد نیز هزینه‌های مربوط به کارکنان بین‌المللی، شاهدان و هزینه‌های دفاع و امنیت را بر عهده گرفت. البته در یک برآورد، هزینه‌های این دادگاه برای سه سال نخست چیزی حدود ۵۰ میلیون دلار بر آورد شد، ولی این مبالغ در مقایسه با هزینه ۴ و نیم بیلیون دلاری دادگاه‌های کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا بسیار اندک می‌باشد (بریا، همان، ص ۱۷).

ماده ۴۴ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده، منبع پرداخت هزینه‌ها و حقوق کارمندان اداری کامبوجی، دادرسان شاغل و دادرسان علی‌البدل، قضات تحقیق و دادستان کامبوجی را از بودجه ملی کامبوج اعلام نموده است و هزینه‌های کارمندان اداری خارجی، دادرسان، قضات تحقیق و دادستان مشترک خارجی منتخب دبیر کل سازمان ملل را بر دوش سازمان ملل نهاده است.

1. Report of the secretary general on the establishment of a special court for sierra leone, U.N.Doc S/2000/915(2000)

۲. بازدارندگی

هنگام محاکمه و مجازات بانیان و عاملان جنایات این نگرانی وجود دارد که هواداران و زیردستان آن‌ها به نشانه انتقام دست به اقدامات مشابه بزنند. این مسأله به ویژه پس از عقب‌نشینی نیروهای حافظ صلح بیش‌تر احساس می‌گردد. یک راه آموزش درست نیروهای نظامی و انتظامی بدین منظور است.

از سوی دیگر، اگر این دادگاه‌ها در پیگرد، دادرسی و کیفر بیش‌تر فرماندهان شورش‌ها و درگیری‌ها توفیق یابند، این خود جنبه بازدارندگی نسبت به حوادث آتی خواهد داشت و دست‌اندرکاران جنایات جنگی آینده، سرنوشت آینده اعمال خویش را همچون سرنوشت اشخاصی که برای جنایات همسان خود محاکمه و کیفر داده شده‌اند، خواهند دید. البته به نظر می‌رسد، از آنجا که این امر به دادرسی و مجازات مرتبط است، ویژه دادگاه‌هایی با ساختار دو پیوندی نباشد.

دورنمای درگیری‌ها در سیرالئون

آنچه مربوط می‌شود به صلاحیت دادگاه ویژه سیرالئون، درگیری‌هایی است که گروه آشوبگر جبهه متحد انقلابی^۱ سیرالئون در آن نقش داشت. رهبر این گروه فودی سانکوه^۲ هم پیمان چارلز تیلور^۳ رهبر جبهه مردمی لیبریا^۴ بود. مهم‌ترین تهاجم این گروه در ۲۳ مارس ۱۹۹۱ به نواحی شرقی سیرالئون صورت گرفت. نیروهای مهاجم صریحاً هدف از درگیری را برداشتن فساد حکومت موموه^۵ اعلام کردند. مدت کوتاهی پس از این تهاجم، دولت موموه توسط گروهی از رهبران جوانی که توسط والتین استراسر^۶ رهبری می‌شدند، سقوط کرد و استراسر به عنوان رئیس دولت توسط جبهه متحد انقلابی این کشور برگزیده شد. در سال ۱۹۹۷ درگیری‌های درونی و شهری دوباره در این کشور شروع به جوشش کرد و جبهه متحد انقلابی در ژانویه ۱۹۹۹ تهاجم گسترده‌ای به فری تاون^۷ پایتخت سیرالئون آغاز کرد. باید خاطر نشان کرد که درگیری‌هایی که در سیرالئون رخ داد،

1. Revolutionary united front (RUF)
2. Foday sankoh
3. Charles taylor
4. National patriotic front of liberia (NPFL)
5. Momoh
6. Valentine strasser
7. Free town

ویژگی‌هایی دارد که آن‌ها را از درگیری‌های به وقوع پیوسته در رواندا و یوگوسلاوی سابق متمایز می‌کند. در سیرالئون متجاوزگران یک قوم وقبیله نبودند. این ویژگی آنچنان برجسته است که حتی سیستم حقوقی دادگاه ویژه رسیدگی‌کننده به جنایات به وقوع پیوسته در این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. به همین خاطر بود که در اساسنامه این دادگاه جرمی به نام نسل‌کشی تعریف نشد. همچنین در درگیری‌های این کشور آشوبگران و جانمایی که بیش‌تر جرایم را مرتکب شده‌اند، توسط یک ایدئولوژی هدایت نمی‌شدند، بلکه تنها به دنبال منافع شخصی خویش بودند.

تلاش‌هایی برای استقرار دوباره صلح در سیرالئون

۱. موافقت‌نامه صلح ابیجان^۱

این موافقت‌نامه صلح میان حکومت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ در ابیجان منعقد گردید. این نخستین تلاش برای پایان بخشیدن به نزاع داخلی در این کشور بود. این توافق و صلح متعاقب آن دیری نپایید و با تهاجم دوباره جبهه متحد انقلابی به مردم عملاً زیر پا گذارده شد.

۲. طرح صلح اتحادیه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی^۲

اعلامیه منتشر شده توسط وزرای خارجه کمیته پنجم اتحادیه اقتصادی آفریقا در خصوص سیرالئون طرح شش بندی را وضع می‌نمود که برای یک دوره شش ماهه اعمال می‌گشت. این اعلامیه خواستار آتش بس فوری میان گروه‌های درگیر در سرتاسر سیرالئون بود. به هر روی، این صلح نیز دوامی نداشت، زیرا دو طرف درگیری علاقه‌ای برای اجرای آن نداشتند.

۳. موافقت‌نامه صلح لومه ۱۹۹۹^۳

در هفتم جولای ۱۹۹۹، حکومت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی وارد گفتگو برای رسیدن به توافق جدیدی شدند. این توافق‌نامه از لحاظ قلمرو نسبت به توافق‌نامه‌های پیشین گسترده‌تر و از مهم‌ترین موضوعاتی که در برداشت، می‌توان به آتش بس فوری و نظارت بر آن، خلع سلاح همه مبارزان و استقرار کمیسیون آشتی و حل اختلاف و

1. Abidjan peace agreement

2. ECOMOGO Peace Plan

3. Lome Peace Agreement

حقیقت‌یاب اشاره داشت. همچنین این توافق‌نامه همچون توافق‌نامه‌های پیشین مقررات عفو گسترده‌ای پیش‌بینی کرده بود. این موافقت‌نامه نیز به خاطر تهاجمات متعاقب آن سرگذشتی بهتر از موافقت‌نامه‌های پیشین نیافت.

۴. موافقت‌نامه آتش بس مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۰

این موافقت‌نامه همچون توافق‌نامه پیشین میان حکومت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی بسته شده است. این موافقت‌نامه تعهدات طرفین در موافقت‌نامه لومه را به عنوان چهارچوبی برای استقرار صلح در این کشور مورد تأیید قرار داد و بدین ترتیب در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۲ جنگ رسماً پایان یافته اعلام شد و تقریباً ۴۵۰۰۰ شورشی تسلیم گشتند و نکته بسیار مهم اینکه اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون دو روز پس از آن به تصویب رسید.

نقش نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد^۱ در خاتمه دادن به درگیری‌ها

به طور کلی، عملکرد نیروهای حافظ صلح نه در رواندا و نه در سیرالئون قابل دفاع نیست. زیرا اگرچه وظیفه این نیروها بازگردانی آرامش به مناطق بحران زده است، ولی تجربه به روشنی نشان داده است، هر بار که این نیروها وارد منطقه‌ای به منظور اعاده آرامش به آنجا شده‌اند، با حضور خود پیش‌تر به مناقشات دامن زده‌اند. به همین دلیل، مکرراً پیشنهاد می‌شود که نیروهای پلیس در این کشورها می‌بایست به گونه‌ای آموزش ببینند که دست کم نیازی به حضور طولانی نیروهای حافظ صلح نباشد.

در سیرالئون در اکتبر ۱۹۹۹ اولین نیروهای حافظ صلح^۲ با شش هزار سرباز به فری تاون وارد شدند. اما حتی با حضور این نیروها، جبهه متحد انقلابی از خلع سربازان آشوبگر خود سرباز زد و به نیروهای حافظ صلح یورش برد. این نیروهای تا دسامبر ۲۰۰۴ به طور کامل از این کشور خارج شدند.

در رواندا نیز نیروهای حافظ صلح سازمان ملل^۳ برای بازگردانی آرامش به این کشور گسیل شدند. اما در حقیقت اقدامات آن‌ها ضعیف و ناموثر بود^۵. تجهیز و ارسال نیروهای

1. Ceasefire Agreement
2. United Nation Peacekeeper Forces
3. United Nation Mission in Sierra Leone (UNAMSIL)
4. United Nation Mission for Rwanda (UNAMIR)

5. ضعف این نیروها به قدری بود که مردم رواندا آن‌ها را با لقب «ترسو» مورد تمسخر قرار می‌دادند.

حافظ صلح به صورت مجدد^۱ جهت اعزام به روندنا به دلیل همین ناتوانی بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷). این نیروها در سال ۱۹۹۶ از این کشور عقب‌نشینی کردند.

دادگاه ویژه سیرالئون

تأسیس دادگاه

در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۰ رئیس جمهور وقت سیرالئون طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد برای استقرار دادگاه ویژه‌ای که به محاکمه اشخاص مسؤول جنایات شرورانه علیه مردم و کشورش انجام داده بودند، درخواست کمک کرد. در پاسخ به این درخواست رئیس جمهور، در ۱۴ آگوست همان سال، قطع‌نامه^۲ ۱۳۱۵ توسط شورای امنیت مورد تصویب قرار گرفت. این قطع‌نامه از دبیر کل سازمان ملل خواسته بود که با دولت سیرالئون برای ایجاد یک محکمه اختصاصی مذاکره نماید. توافق نهایی برای ایجاد این دادگاه میان سازمان ملل و حکومت سیرالئون در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲^۳ محقق شد^۴ و اساسنامه این دادگاه خط‌مشی‌های کلی را که این دادگاه می‌بایست در چهارچوب آن‌ها عمل نماید، مشخص نمود.

مبنای حقوقی دادگاه

دادگاه ویژه سیرالئون از اساس یک دادگاه معاهده محور^۴ است، چرا که از توافق‌نامه‌ای میان سازمان ملل و حکومت سیرالئون نشأت گرفته و تأسیس یافته است و این برای نخستین بار بود که یک دادگاه بین‌المللی با توافق میان سازمان ملل و حکومت محل درگیری‌ها تشکیل می‌یافت. این در حالی است که دادگاه‌های خاص دیگری چون دادگاه‌های بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و رواندا که کمی قبل از تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون ایجاد شدند، بر مبنای فصل هفتم از منشور سازمان ملل، یعنی بر اساس اختیارات شورای امنیت تأسیس یافته‌اند.

به بیان دیگر، برخلاف دادگاه یوگوسلاوی سابق که انعقاد یک قرارداد بین‌المللی برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات به وقع پیوسته در این کشور، نیاز

1. UNAMIR II

2. UN SC Resolution 1315(2000)

3. Agreement between the united nations and the government of sierra leone on the establishment of a special court for sierra leone signed on 16 January 2002.

4. Treaty-based Courts

به زمانی طولانی داشت و بر همین اساس این دادگاه و نیز دادگاه بین‌الملل کیفری رواندا بر مبنای اختیارات شورای امنیت مندرج در منشور سازمان ملل متحد، ایجاد شدند (فیوضی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۲). سازمان ملل در تشکیل دادگاه ویژه برای سیرالئون به انعقاد چنین موافقت‌نامه‌ای توجه ویژه‌ای داشت و آنچنان که دیدیم اساس شکل‌گیری این دادگاه نیز بر همین مبنا استوار گردیده است.

در مورد دیگر دادگاه‌ها با سیستم دو پیوندی، می‌توان به شعبات فوق‌العاده کامبوج اشاره داشت. گفتگوها پیرامون تشکیل آن بر خلاف دیگر دادگاه‌ها غیر معمول بود، زیرا این گفتگوها هجده سال پس از پایان درگیری‌ها (شکست رژیم روز خمر^۱ توسط نیروهای ویتنام در سال ۱۹۷۹) آغاز شد. در ژانویه ۲۰۰۱، پارلمان کامبوج قانون ایجاد شعبات فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج را برای رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته^۲ در جریان دوران حکومت کامپوچه دمکراتیک^۳ تصویب نمود. پس از وقوع وقفه‌ای، مذاکرات در ۶ ژانویه ۲۰۰۳ به سرانجام رسید و میان حکومت کامبوج و سازمان ملل در مورد تشکیل دادگاه توافق حاصل شد.^۴

مقر دادگاه

بر خلاف مقر دادگاه‌های رواندا و یوگوسلاوی سابق که در آروشای جمهوری تانزانیا و لاهه هلند واقع شده‌اند، مقر دادگاه ویژه سیرالئون در جایی مستقر است که درگیری‌ها در آنجا رخ داده و این برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم است که محاکمه جنایتکاران جنگی در کشوری برگزار می‌گردد که جرایم در قلمرو آن اتفاق افتاده است. این امر هم از لحاظ دسترسی به متهمان و مدارک و هم از لحاظ تقویت سیستم حقوقی و قضایی این کشور قابل توجه خواهد بود و همان‌طور که گفتیم این یکی از ویژگی‌های دادگاه‌های با ساختار دو پیوندی است. مقر این دادگاه شهر فری تاون پایتخت سیرالئون است.

1. Khmer Rouge Regime

2. Law on the establishment of the extraordinary chambers in the courts of cambodia (NS/RKM/0801/12), promulgated on 10 Aug. 2002, as amended on 27 Oct. 2004.

3. Democratic Kampuchea

4. Agreement between the united nations and the royal government of cambodia concerning the prosecution under cambodian law of crimes committed during the period of democratic kampuhea.

اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مقر دادگاه بین‌المللی رواندا شهر آروشای جمهوری تانزانیا انتخاب گردید. برای استقرار این مقر دلایلی بیان شده است:

شهر آروشا به مرز رواندا نزدیک است و نهاد موجود در این شهر، یعنی مرکز کنفرانس بین‌المللی آروشا^۱ به سادگی می‌توانست به مقر دادگاه تبدیل گردد. از طرف دیگر، استقرار دادگاه در این شهر جنبه نمادین نیز داشت، زیرا این محل همان جایی بود که مذاکرات صلح آروشا در سال ۱۹۹۳ میان گروه‌های رواندایی انجام و منجر به انعقاد موافقت‌نامه صلح آروشا^۲ شد (استاینز^۳، ۲۰۰۶، ص ۱۱). البته با وجود این مقر، دادگاه رواندا در محل دیگری قابل تشکیل است (علامه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱). مقر شعبات فوق‌العاده برای کامبوج شهر فونام پن^۴ این کشور است (ماده ۴۳ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده برای کامبوج).

آغاز به کار دادگاه

در ژانویه ۲۰۰۲ توافق برای ایجاد دادگاه ویژه میان سازمان ملل و حکومت سیرالئون صورت گرفت. شروع به کار این دادگاه نیز در جولای همان سال رخ داد. این در حالی است که با وجود اینکه به موجب قطع‌نامه ۸ نوامبر ۱۹۹۴، دادگاه بین‌المللی رواندا تأسیس یافت، اما عملاً این دادگاه به خاطر مشکلات مقر خود برای آغاز به کار یکسال کامل در انتظار ماند. به همین دلیل بود که نخستین گروه از دادرسان بدوی این دادگاه در ۲۴ و ۲۵ می ۱۹۹۵ انتخاب گردیدند و اولین جلسه میان قضات بدوی و پژوهش در ۲۶ تا ۳۰ ژوئن همان سال در لاهه هلند برگزار شد. در ۲۲ فوریه، مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت که مشروط به توافق شایسته این سازمان با جمهوری تانزانیا، مقر دادگاه بین‌المللی رواندا را در شهر آروشا پایتخت این کشور واقع نماید. این توافق‌نامه در ۳۱ آگوست ۱۹۹۵ منعقد شد، هر چند از بدو انتخاب این محل، دولت رواندا با آن موافق نبود. پس از تعیین مقر، دادگاه رواندا رسماً در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵ فعالیت خویش را در شهر آروشا آغاز کرد و نخستین کیفرخواست خود را در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۶ صادر کرد و اولین

1. the arusha international conference center (AICC)

2. Arusha peace agreement (1993)

موافقت‌نامه صلح آروشا مجموعه‌ای از پنج سند است که در چهارم آگوست ۱۹۹۳ به دنبال مذاکرات گسترده میان حکومت رواندا و گروه‌های مختلف رواندایی از جمله جبهه مردمی رواندا منعقد شد.

3. Steinitz

4. Phnom Penh

بازداشتگاه این دادگاه برای نگاهداری بازداشت شدگان در ماه می همان سال تکمیل و بازگشایی شد و در ۲۶ می ۱۹۹۶ نخستین بازداشت شدگان از شهر لوساکای زامبیا^۱ به این بازداشتگاه انتقال یافتند. آغاز محاکمه علنی دادگاه رواندا در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۶ برگزار گردید.

اما جدای از مشکل مربوط به مقر این دادگاه، مشکل دیگری نیز شروع فعالیت این دادگاه را با تأخیر روبرو کرد. این مشکل تعدد مکانی نهادها و تشکیلات این دادگاه بود، به گونه‌ای که دادستان و قضات پژوهش این دادگاه در شهر لاهه هلند، دادستانی در کینگالی رواندا و لاهه و قضات بدوی و دبیرخانه این دادگاه در شهر آروشای تانزانیا مستقر بودند (عثمان^۲، ۲۰۰۵، ص ۷۴).

تعهد به همکاری با دادگاه

بی تردید جدا از علل سیاسی، از لحاظ حقوقی عملکرد درست دادگاه‌های بین‌المللی بستگی بسیاری به مشارکت کشورها خواهد داشت. همانطور که اشاره شد، دادگاه ویژه سیرالئون طی توافقی میان حکومت سیرالئون با سازمان ملل تشکیل شد. این روش خلاف روندی بود که منجر به تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق شد. دلیل هم این بود که شورای امنیت و حکومت سیرالئون برای تأسیس دادگاه خاص دیگری با همان ساختار دادگاه‌های رواندا و یوگوسلاوی سابق بی میل بودند. این بی میلی شاید به خاطر ناتوانی در تأمین هزینه‌های این نوع دادگاه‌ها بود. تجربه گذشته، خود دلیلی محکمی برای این گفته است، زیرا در سال ۲۰۰۱ سازمان ملل بیش از دو بیست میلیون دلار برای دادگاه‌های رواندا و یوگوسلاوی سابق هزینه نمود.

اصول و مبانی که دادگاه ویژه سیرالئون بر آن‌ها مبتنی است، حکومت سیرالئون را بیش از دول دیگر در خصوص ارتباط با دادگاه مرتبط درگیر نموده است، به طوری که این اصول حق کنترل بیش‌تری بر این دادگاه به دولت این کشور اعطا کرده است. عنوانی هم که برای این دادگاه، یعنی دادگاه ویژه^۳ برگزیده شده است، خود گویای این مطلب است

1. Lusaka of Zambia
2. Othman
3. The Special Court

که این محکمه با آن محاکمی که برای رسیدگی به جرایم اتفاق افتاده در یوگوسلاوی سابق و رواندا ایجاد شد، تفاوت دارد.

همچنان که اشاره کردیم، ساختار دادگاه ویژه سیرالئون دو پیوندی است، یعنی اختلاطی از حقوق داخلی و بین‌الملل در بنیان حقوقی آن دیده می‌شود. در حقیقت نقش غیر قابل انکار حکومت این کشور در تشکیل این دادگاه و وارد نمودن قوانین کیفری داخلی این کشور در ساختار این دادگاه می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که حکومت‌ها بر این قصدند که خود را در جایگاه قضاوت و داوری و دخالت حقوقی پس از درگیری‌ها قرار دهند. هر چند مشارکت دولت سیرالئون بیش‌تر جنبه دخالت به خود گرفت تا همکاری.

نکته بسیار مهم و اساسی در رابطه با همکاری کشورها با دادگاه این است که بر طبق اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون تنها این کشور متعهد به همکاری با دادگاه ویژه خویش شده است و سایر دول تعهدی در این خصوص نخواهند داشت (مکنزی^۱، ۲۰۰۳، ص ۲۷۳). اما در دادگاه‌های بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و رواندا وضع متفاوت است. در دادگاه بین‌المللی روندا همچنان که قاضی شهاب‌بودن^۲ بیان نمود «این دادگاه از خود فاقد مکانیزم اجبارکننده‌ای برای دولت‌هاست و بر همین اساس بوده است که شورای امنیت برای پرکردن این روزنه و الزام دولت‌ها برای همکاری با دادگاه اقدام به تصویب مقرر حقوقی نمود. البته این مقرر نباید به قدری گسترده تفسیر گردد که به خاطر برخورد با اقتدار کشورها غیر قابل پذیرش گردد. ولی در هر حال این تعهد باید به گونه‌ای تفسیر گردد که به اهدافی که در اساسنامه این دادگاه مقرر شده، کارایی لازم را ببخشد». این مقرر ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا است. این تعهد حقوقی بیانگر تکلیف کشورها برای همکاری با این دادگاه است.^۳ دولت رواندا نیز به طور ویژه‌ای مورد تکلیف واقع شده است، زیرا این دادگاه به منظور محاکمه اشخاص مسؤول نسل‌کشی و دیگر جرایم مهم علیه حقوق بشر که در قلمرو این کشور رخ داد، تشکیل یافته است. این تعهد مطلق است، یعنی حتی در موارد خاص و به خاطر ملاحظات سیاسی و یا امنیتی قابل خدشه نخواهد بود.

1. Mackenzie

2. The Separate Opinion of judge Sahabudden, in the Case of Prosecutor v. Baraywiza, 2000.

3. ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق نیز به این تعهد اشاره داشته است.

البته پیش از این نیز در قطع‌نامه ۹۵۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، این شورا از کلیه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی همکاری با دادگاه و ارکان آن را خواستار شده است (بیگزاده، ۱۳۷۹، صص ۶۱-۵۹). با این حال، اختلاف نظرها در جریان همکاری این حکومت با دادگاه بسیار اتفاق افتاده است. نمونه این اختلافات را می‌توان نامه دادستان این دادگاه در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲ به شورای امنیت در خصوص مشکلات موجود بر سر راه تحقیقات و بازجویی‌ها در مورد جنایات به وقوع پیوسته توسط جبهه مردمی رواندا و ناتوانی دادستانی بر شمرد. پس از این نامه رئیس دادگاه رواندا در ۲۹ ژانویه همان سال طی نامه‌ای به شورای امنیت صراحتاً دخالت این نهاد را به منظور امکان اجرای وظایف این دادگاه خواستار شد.

تشکیلات قضایی و صلاحیت‌های دادگاه

حکومت سیرالئون و سازمان ملل برای ایجاد محکمه‌ای با ساختاری نوین و یا به عبارت بهتر دادگاهی با مشارکت کامل حکومت و این سازمان برای تعقیب و محاکمه اشخاص مسؤول تجاوز به عنف، غارت و دیگر جرایم علیه حقوق بشر که در طول درگیری‌های این کشور رخ داده بود، به توافق رسیدند.

ساختار قضایی این دادگاه متشکل از قضاات داخلی و بین‌المللی جهت اعمال قواعد داخلی و بین‌المللی می‌باشد. در حقیقت تعبیر نام دو پیوندی برای این دادگاه و دادگاه‌های مشابه به خاطر وجود چنین ساختاری است که این ساختار نوین در نتیجه انتقادهایی بود که بر ساختار قضایی موجود در دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق بر آن‌ها وارد شده بود. بی‌شک اختلاط خبرگان حقوق داخلی و بین‌المللی کمک مؤثری به پیشرفت نظام حقوقی و قضایی این کشورها خواهد کرد.

البته نباید پنداشت که ساختار این دادگاه تنها صرف آمیزه‌ای از حقوق و دادرسان داخلی و بین‌المللی است، بلکه در مواردی این دادگاه به بحث و بررسی پیرامون مسایل نوینی پرداخته و نهادهای جدیدی را خلق نموده است که این موارد خود نوآوری بسیار مهمی در حقوق بین‌الملل کیفری قلمداد می‌گردند، نه صرف اختلاط سیستم‌های حقوقی پیشین. از جمله این نوآوری‌ها می‌توان به ایجاد دادرسی جداگانه‌ای برای مجرمان نوجوان (ملقب به سرباز کودک) اشاره کرد.

در بخش به بررسی تشکیلات قضایی و صلاحیت‌های دادگاه ویژه سیرالتون و شعبات فوق‌العاده کامبوج خواهیم پرداخت.

ارکان دادگاه

دادگاه ویژه سیرالتون از یک شعبه دادرسی و یک شعبه پژوهش و دادستانی تشکیل یافته است. شعبه بدوی متشکل از سه دادرس است که یکی از آن‌ها منتخب دولت سیرالتون و دو دادرس دیگر بین‌المللی و منتخب دبیرکل سازمان ملل هستند. شعبه پژوهش این دادگاه از پنج دادرس تشکیل می‌یابد که دو دادرس داخلی آن توسط دولت سیرالتون گزینش و سه دادرس دیگر بین‌المللی هستند که از سوی دبیرکل سازمان ملل انتخاب می‌شوند (ماده ۱۲ اساسنامه).

ماده ۱۳ اساسنامه این دادگاه، وجود قضات مستقل و منصف را لازم دانسته است. این افراد می‌بایست اشخاصی با ویژگی‌های اخلاقی برجسته و عادل باشند. این قضات دارای استقلال قضایی بوده و دستورات هیچ شخص و یا نهادی را اجرا نخواهند کرد.

دادستان این دادگاه توسط دبیرکل سازمان ملل و قائم مقام او توسط دولت سیرالتون که می‌تواند سیرالتونی نباشد، انتخاب می‌گردد.

ماده ۱۸ اساسنامه این دادگاه مقرر می‌دارد که احکام می‌بایست به صورت علنی و از سوی اکثریت قضات شعب صادر گردند. البته هم در شعبه بدوی و هم استیناف قضات بین‌المللی در اکثریت هستند که این می‌تواند به رعایت انصاف در صدور آرا کمک قابل توجهی نماید.

در کامبوج، شعبات فوق‌العاده رسیدگی‌کننده به جنایات هم از دادرسان بین‌المللی و هم از دادرسان کامبوجی هستند، اما قضات کامبوجی در اکثریتند که این خود باعث گردیده است که مسؤولیت بیش‌تری بر عهده سیستم قضایی این کشور قرار بگیرد. دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی از دادرسان بین‌المللی را که نباید کم‌تر از هفت نفر باشند، معرفی می‌نماید و از آن شمار شورای عالی قضایی کامبوج پنج دادرس را بر می‌گزیند.

شعبات دادرسی این دادگاه از یک شعبه بدوی و یک شعبه دادگاه عالی تشکیل می‌یابد. دادگاه عالی مرجع استیناف آرای شعبه بدوی به شمار می‌آید. به موجب ماده ۹ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده کامبوج، شعبه بدوی از سه دادرس کامبوجی و دو دادرس بین‌المللی و شعبه دادگاه عالی از چهار دادرس کامبوجی و سه دادرس بین‌المللی

تشکیل می‌یابند. البته اگرچه ترکیب شعبات اکثریت کرسی‌ها را به دادرسان کامبوجی بخشیده است، ولی صدور آرا نیاز به حد نصاب اکثریت مطلق دارد. در خصوص شعبات بدوی، چهار دادرس می‌بایست با رأی مثبت موافقت نمایند. صدور رأی باید در جریان مذاکرات دادگاه باشد. دلیل این است که سازمان ملل از این مسأله که دادرسان کامبوجی ممکن است، تحت تأثیر حکومت این کشور برای صدور کیفرخواست و نحوه دادرسی دادگاه و صدور مجازات قرار بگیرند، احساس نگرانی می‌کرده است.

افزون بر دادرسان بدوی، شعبات فوق‌العاده کامبوج دو قاضی تحقیق که یکی کامبوجی و دیگری بین‌المللی است، خواهند داشت (ماده ۲۳ قانون تأسیس‌کننده). تعقیب مجرم وظیفه دادستان‌های همکار (یکی کامبوجی و دیگری بین‌المللی) خواهد بود (ماده ۱۶ قانون تأسیس‌کننده).

ماده ۱۴ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده بیان می‌دارد که دادرسان باید تلاش نمایند که در صدور احکام هم نظر باشند، ولی اگر این اجماع حاصل نیاید، رأی شعبه بدوی نیاز به تأیید دست کم چهار دادرس دارد و در شعبه دادگاه عالی، رأی نیاز به تأیید دست کم پنج دادرس خواهد داشت.

صلاحیت‌ها

صلاحیت موضوعی^۱

دادگاه ویژه سیرالئون از نخستین محاکمی است که پس از تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری^۲ ایجاد شد. از این رو اساسنامه دادگاه سیرالئون در مواردی از جمله تعریف جرایمی چون جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت از تعاریف موجود در اساسنامه دیوان تبعیت نموده است.

دادگاه ویژه سیرالئون صلاحیت رسیدگی به سه دسته جرم را خواهد داشت که از این سه، دو دسته جرایم بین‌المللی و دیگری داخلی است. دسته اول که جرایم بین‌المللی هستند، جرایم علیه بشریت از قتل تا اجبار به فحشا را شامل می‌گردد. نحوه تبیین و تعریف این جرایم نسبت به تعاریفی که در ماده ۳ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا آمده

1. Material Jurisdiction or Subject-Matter Jurisdiction

2. International Criminal Court (ICC)

است، لحن بسیار شدیدتر و تندتری به خود گرفته است. دسته دوم جرایم، جنایات علیه حقوق بشر و دسته سوم که جرایم داخلی هستند، جرایم مشمول قانون منع اعمال خشونت علیه کودکان مصوب ۱۹۲۶^۱ و نیز قانون خسارات عمدی مصوب ۱۸۶۱^۲ این کشور را در بر می‌گیرد.

نکته مهم در رابطه با جرایم تعریف شده در اساسنامه این دادگاه این است که در این اساسنامه توجه ویژه‌ای به جرایم جنسی شده است، به طوری که این نوع جنایات شدیدترین نوع جنایات جنسی خوانده شده است. البته باید خاطر نشان نمود که اگر چه جرم تجاوز به عنف مشمول صلاحیت موضوعی دادگاه بین‌المللی رواندا قرار می‌گیرد^۳، ولی با وجود این، این اول بار است که در تعریف و تبیین جرایم جنسی نگاه بسیار سخت‌گیرانه‌ای می‌شود^۴. ماده ۲ اساسنامه این دادگاه به بیان اشکال جرایم علیه بشریت، ماده ۳ تجاوزات از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دو و ماده ۴ به توضیح جرایم موصوف در قوانین کیفری داخلی سیرالئون می‌پردازد. به موجب ماده ۴، دادگاه ویژه سیرالئون صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاصی که جرایمی تحت قوانین سیرالئون همچون جرایم مرتبط با سوء استفاده از دختران مطابق قانون منع اعمال خشونت علیه کودکان مصوب ۱۹۲۶ این کشور، جرایم مرتبط با تخریب اموال مطابق قانون خسارات عمدی مصوب ۱۸۶۱ این کشور را مرتکب شده‌اند، خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Prevention of Cruelty to Children Act 1926

2. Malicious Damage Act 1861

۳. برای دیدن جرایم مشمول صلاحیت موضوعی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا (طباطبایی، سید احمد و حمید میری، دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره نهم، صص ۴۶ - ۴۹).

۴. باید توجه داشت که در پرونده آکایسو دادگاه بین‌المللی این کشور با تعریف جرم تجاوز به عنف به عنوان یک عمل نسل کشی تمام مرزبندی‌های پیشین را از میان برداشت. این رویه در پرونده کوناریچ در دادگاه یوگوسلاوی سابق مورد تبیین قرار گرفت به طوری که تجاوز به عنف داخل در معنای جنایات جنسی و جرائم علیه بشریت قرار گرفت.

See the cases of Prosecutor v. Akayesu, ICTR(1998) & Prosecutor v. Kunarec, ICTY(2001)

۵. تا پایان صدور احکام دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا (سال ۲۰۱۰-۲۰۰۸) پیش‌بینی شده است که این دادگاه بیش از ۶۵ تا ۷۰ نفر را مورد تعقیب قرار دهد که ۳۵ نفر از این شمار به جنایت خشونت جنسی متهم خواهند شد. ر.ک. به خاک، روناک، جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری، مجله حقوقی بین‌الملل، شماره ۳۹، سال ۲۵، ص ۱۰۵.

نکته مهم دیگر اینکه در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون همانند دادگاه بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق مجازات اعدام پیش‌بینی نشده است.^۱

در مورد شعبات فوق‌العاده کامبوج مطابق ماده ۹ موافقت‌نامه تشکیل این شعبات و مواد دو تا هشت قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده، صلاحیت موضوعی شعبات هم شامل عناصر حقوق بین‌المللی و هم عناصر حقوق داخلی می‌شود. از میان همه جرایم ذکر شده، نسل‌کشی مطابق تعریف مندرج در معاهده ۱۹۴۸ در مورد منع و مجازات جنایت نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت مطابق تعریف مندرج در اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، نقض‌های اساسی از معاهدات ۱۹۴۹ ژنو و دیگر جرایم تعریف شده در قانون مبنایی که تشکیل‌دهنده شعبات فوق‌العاده و تصویب یافته توسط حکومت کامبوج در سال ۲۰۰۱ است، به چشم می‌خورد.^۲

آیین دادرسی این شعبات مطابق قوانین مرتبط کامبوج است، ولی معیارهای بین‌المللی درجایی که قوانین کامبوج ساکتند و یا در جاهایی که تناقضاتی وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. حداکثر مجازات این شعبات مجازات حبس ابد خواهد بود (ماده ۳۸ قانون تأسیس‌کننده).

صلاحیت مکانی^۳

بر خلاف دادگاه بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق که صراحتاً صلاحیت مکانی آن‌ها در اساسنامه تصریح شده بود^۴، در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون تصریحی در این خصوص دیده نمی‌شود. این در حالی است که اساسنامه این دادگاه بیان داشته، اشخاصی

۱. عدم درج مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا در ابتدا منجر به عدم رضایت دولت این کشور برای استقرار این دادگاه شد. زیرا دولت این کشور نبود این نوع مجازات را منجر به نابرابری در اعمال مجازات بر برنامه‌ریزان و سازمان‌دهندگان نسل‌کشی و اجراکنندگان آن می‌دانست. گروه اول از مجازات مرگ پس از محاکمه در این دادگاه فرار خواهند نمود، در حالی که ممکن است که اجراکنندگان نسل‌کشی پس از محاکمه در دادگاه‌های ملی رواندا به مجازات مرگ محکوم شوند. تا ۲۸ آوریل ۱۹۹۸ برای ۲۲ متهم به نسل‌کشی این مجازات صادر گردید. دولت این کشور حتی به درخواست پاپ ژان پل دوم نیز توجهی نکرد، با این استدلال که اعدام هم قانونی و هم اخلاقی است و رکن موثری در حذف رویه نادرست عدم مسؤلیت مجرمان خواهد بود.

۲. ماده ۳ قانون تأسیس‌کننده شعبات فوق‌العاده جرایم قابل بحث مطابق قوانین کیفری داخلی این کشور را شامل قتل، شکنجه و آزار و اذیت مذهبی دانسته است و ماده ۵ قتل، شکنجه، حبس، تجاوز به عنف، تعقیب به خاطر دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی، تبعید، بردگی و دیگر اعمال غیر انسانی را از جمله جنایات علیه بشریت به شمار آورده است.

3. Territorial Jurisdiction

۴. در ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا صلاحیت مکانی این دادگاه به فضای زمینی، هوایی این کشور و کشورهای همسایه گسترش یافته است.

که در سیرالئون مرتکب جنایاتی شده‌اند ممکن است مسؤول قلمداد گردند، ولی مانعی وجود ندارد، اشخاصی را که در خارج از قلمرو این کشور جنایات را رهبری و یا در آن مشارکت داشته‌اند، نتوان تحت تعقیب قرار داد. در حقیقت کیفرخواستی که علیه چارلز تیلور از سوی دادستان این دادگاه صادر شده بود، بر همین مبنا استوار بود، زیرا صدور این کیفرخواست بر مبنای اعمال ارتكابی او هنگامی که در این کشور حضور داشت، نبود.

اما در صورتی که دادگاه ویژه سیرالئون این صلاحیت را داشته باشد که بتواند علیه اشخاصی که خارج از قلمرو این کشور جرایمی را مرتکب شده‌اند که به درگیری‌های این کشور مربوط است، اقامه دعوا نماید، مشکلی که پدیدار خواهد گشت، بحث استرداد مجرم خواهد بود. زیرا چنانکه گفته شد دادگاه ویژه سیرالئون تحت فصل هفتم از منشور سازمان ملل تأسیس نگردیده است تا بر همین مبنا گفته شود، کشورهای دیگر تعهدی برای همکاری با این دادگاه و استرداد مجرمان خواهند داشت. نکته قابل توجهی که این مشکل را برجسته‌تر خواهد کرد، این است که حتی در دادگاه بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق که تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل ایجاد شده‌اند، دولت‌ها به کرات از پیروی از دستورات این دادگاه‌ها و استرداد مجرمان به این دادگاه‌ها خودداری ورزیده‌اند.^۱

همچون دادگاه ویژه سیرالئون، شعبات فوق‌العاده کامبوج مقررات صریحی ناظر به صلاحیت مکانی ندارد (گیب، ۲۰۰۶، ص ۶۲). این در حالی است که بیش‌تر رهبران خمر که قابل پیگرد هستند یا در کشور کامبوج یا در مناطق نامعلومی هستند. بنابراین، مسأله قابل بحث، استرداد مجرمان خواهد بود. بنابراین به خاطر این عدم تصریح به قلمرو صلاحیت اگر مظنونان در کشورهای مجاور همچون تایلند باشند و قرار بازداشت و یا استرداد آن‌ها صادر گردد، مسأله استرداد مجرمان و مشکلات متعاقب آن رخ می‌نماید و این مسأله زمانی تشدید می‌گردد که شعبات فوق‌العاده تصمیم به الغای عفوهای مقرر برای جانیان بگیرند.

۱. ر.ک. به مبحث صلاحیت هم‌عرض و مقدم بر دادگاه‌های ملی.

صلاحیت زمانی^۱

در خصوص صلاحیت زمانی دادگاه ویژه سیرالئون همانند دادگاه بین‌المللی رواندا، اتفاق نظر وجود نداشت.^۲ دلیل این عدم توافق این بود که پیش از اینکه در مورد این صلاحیت تصمیم‌گیری شود، در ابتدا باید در مورد مشروعیت عفو مجرمان که در توافق‌نامه لومه مقرر شده بود، تصمیمی اتخاذ می‌شد. زیرا از یک‌سو، سازمان ملل در موقعیتی بود که در امضای این توافق‌نامه نقش داشت و از سوی دیگر، قطع‌نامه ۱۳۱۵ شورای امنیت صراحتاً بیان نموده بود که عفو مقرر در این توافق‌نامه به جرایم بین‌المللی تسری داده نخواهد شد. بر همین اساس، از سوی دبیرکل سازمان ملل چهار تاریخ برای تعیین صلاحیت زمانی مورد بررسی موشکافانه‌ای قرار گرفت. این چهار تاریخ عبارت بودند از: ۲۳ مارس ۱۹۹۱، ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶، ۲۵ می ۱۹۹۷ و ۶ ژانویه ۱۹۹۹ و برای انتخاب یکی از آن‌ها معیارهایی تعیین شد.

۱. این تاریخ مسؤولیتی خارج از توان و اختیارات دادگاه ویژه و دادستان وضع ننماید.
 ۲. این تاریخ مراحل نوین درگیری را در برگرد.
 ۳. این تاریخ این اطمینان را ایجاد نماید که مهم‌ترین جنایات را در خود در بر می‌گیرد.
- بر مبنای معیارهای بالا و با وجود اینکه استدلال برخی این بود که ۲۳ مارس ۱۹۹۱ همان هنگامی است که جبهه متحد انقلابی تهاجم خویش را به نواحی شرقی سیرالئون آغاز کرد، اما این تاریخ به این دلیل که مسؤولیتی خارج از توان و اختیارات دادگاه را بر آن تحمیل می‌نمود، از دستورکار خارج شد و توسط دبیرکل لحاظ نگردید.
- ۲۵ می ۱۹۹۷ نیز به خاطر دلالت‌های سیاسی که داشت و ممکن بود از این تاریخ برای محاکمه و مجازات کودتاگران استفاده گردد، لحاظ نگردید. ۹ ژانویه ۱۹۹۹ نیز از آنجا که مهم‌ترین جرایم رخ داده در جریان درگیری‌های سیرالئون به ویژه در مناطق روستایی و مرزی این کشور را شامل نمی‌شد، مناسب تشخیص داده نشد (استفورد،^۳ ۲۰۰۳، ص ۵).

1. Temporal Jurisdiction

2 تعیین این محدوده به عنوان صلاحیت زمانی برای دادگاه بین‌المللی رواندا نیز از سوی دولت رواندا مورد انتقاد واقع شده است.

3. Stafford

در نهایت، برای این دادگاه صلاحیت زمانی دوگانه‌ای تعیین شد. به این شکل که برای جرایم بین‌المللی، صلاحیت زمانی دادگاه از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ آغاز گردید. در حالی که نسبت به جرایم داخلی این صلاحیت برای جرایم ارتكابی پس از ۷ جولای ۱۹۹۹ مقرر گردید که این تنها به خاطر عفو مقرر در توافق‌نامه لومه بود. تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ هم که مصادف با امضای معاهده ایبجان بود، به خاطر دربر داشتن همه معیارهای بالا از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد انتخاب شد. با وجود این، این تاریخ تنها بیانگر محدودیتی برای صلاحیت این دادگاه به شمار می‌آید. زیرا این محدوده زمانی جرایمی را که از آغاز درگیری‌ها از ۲۳ مارس ۱۹۹۱ اتفاق افتاده بود را به سادگی نادیده می‌گرفت و منجر به این می‌گردید که هدف اصلی از تأسیس این دادگاه که همانا «محاكمه اشخاصی است که بیش‌ترین مسؤولیت^۱ را به خاطر انجام جرایم مهم علیه حقوق بشر بر دوش می‌کشند»^۲ در خطر حذف قرار گیرد. زیرا بسیاری از جنایات پیش از این تاریخ به وقوع پیوسته بود.

انتهای صلاحیت زمانی دادگاه ویژه سیرالئون همانند دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق و بر خلاف دادگاه رواندا مشخص نشده است، زیرا بررسی این نوع صلاحیت برای این دادگاه در سازمان ملل و در زمانی اتفاق افتاد که درگیری‌ها در سیرالئون همچنان در حال وقوع بود.^۳

همچنین در خصوص نقش شورای امنیت در صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی رواندا باید گفت که با وجود اینکه دادگاه‌های یوگوسلاوی سابق و رواندا توسط شورای امنیت و در اجرای فصل هفتم منشور سازمان ملل ایجاد شده‌اند، اما در اساسنامه این دادگاه‌ها نقشی برای این شورا در خصوص دخالت در صلاحیت زمانی آن‌ها پیش بینی نشده است، این در حالی است که دیوان کیفری بین‌المللی که یک نهاد مستقل بین‌المللی که به موجب معاهده چند جانبه و بر اساس اراده دولت‌ها ایجاد شده است، ولی شورای امنیت می‌تواند صلاحیت آن را به حالت تعلیق درآورد و یا برای آن ایجاد صلاحیت کند. این

1. Greatest Responsibility

2. See the statute of special court Sierra Leone, Art 1.

3. صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی رواندا از اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر همان سال است که این محدوده صلاحیت باعث شد جنایات ناشی از منازعات قومی سال ۱۹۹۸ این کشور نتواند تحت صلاحیت این دادگاه قرار گیرد. این در حالی است که صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق از ۱۹۹۱ آغاز و نهایتی برای آن در نظر گرفته نشده است.

نکته یکی از تفاوت‌های میان دادگاه‌های ویژه با دیوان کیفری بین‌المللی از نظر صلاحیت زمانی است (طهماسبی، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

به موجب ماده دو قانون ایجادکننده شعبات فوق‌العاده برای کامبوج، صلاحیت زمانی این شعبات از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ تا ژانویه ۱۹۷۹ را شامل خواهد شد. البته این زمان مورد اعتراض واقع شد، زیرا در این محدوده زمانی جرایم رخ داده در فاصله زمانی میان ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ را در بر نمی‌گیرد.

صلاحیت شخصی^۱

به موجب ماده یک توافق‌نامه تأسیس‌کننده دادگاه ویژه سیرالئون و ماده یک اساسنامه این دادگاه، دادگاه ویژه تنها بر اشخاص صلاحیت دارد که «بیش‌ترین مسؤولیت» را به خاطر جرایم ارتكابی در جریان درگیری‌های این کشور بر دوش می‌کشند. این اشخاص غالباً از جبهه متحد انقلابی هستند. البته برخی از سربازان نیروهای جامعه اقتصادی آفریقای غربی نیز که برای محافظت از شهروندان سیرالئونی به این کشور اعزام شده بودند، چنین جنایاتی را مرتکب شده‌اند. به تصریح اساسنامه دادگاه سیرالئون، این دادگاه برای محاکمه جنایات نیروهای حافظ صلح، صلاحیت مقدماتی بر کشور ارسال‌کننده آن نیروها خواهد داشت.

ماده ۷ اساسنامه این دادگاه، صلاحیت شخصی این دادگاه را بر اشخاص ۱۵ سال یا بیش‌تر در زمانی که جرمی علیه آن‌ها ادعا می‌گردد، بنیان نهاده است. البته در مورد شرط سنی مورد نیاز برای تحقق صلاحیت شخصی، از سوی دبیرکل سازمان ملل سه مورد در نظر گرفته شده است:

۱. حداقل سن برای محاکمه هجده سال است.
۲. حداقل سن برای محاکمه هجده سال به اضافه کودکان پانزده تا هجده ساله‌ای که اعمال خویش را برای کمیسیون صلح و آشتی و حقیقت‌یاب^۲ بازگو کرده‌اند.
۳. کودکانی که پانزده تا هجده سال سن دارند، از طریق دادرسی قضایی البته بدون اعمال کیفر محاکمه شوند.

1. Personal Jurisdiction

2. Truth and Reconciliation Commission (TRC)

اما دولت سیرالتون قویا خواستار مسؤولیت قضایی برای مبارزان کودکی بود که به عنوان مسؤول ارتکاب برخی از جنایات در قلمرو این کشور شناخته شدند. اما این خواسته به خاطر نگرانی‌ها و فشارهای سازمان‌های غیردولتی و اینکه مسؤولیت حقوقی کودکان هدف از محاکمه کودکان را که همانا بازپروری آن‌هاست، زایل خواهد کرد، ناکام ماند. دبیرکل سازمان ملل بر اساس معیارهایی به ویژه مقررات کنوانسیون حقوق کودک^۱ چهارچوب رسیدگی این دادگاه به جرایم مجرمان جوان را مشخص نمود. بر این اساس، دادگاه ویژه سیرالتون اختیار دارد که یکی از موارد زیر را برای کودکان زیر سن هجده سال که به خاطر ارتکاب جنایات مقصر شناخته شده‌اند، مقرر دارد؛ مشاوره، پرستاری، تأدیب و برنامه‌های آموزشی برای کسب پیشه (استفورد، همان، ص ۶). با وجود این، این نخستین بار است که در یک دادگاه بین‌المللی کودکان هم به عنوان قربانی و هم جانی مورد تعریف قرار می‌گیرند و اگر چه در تنظیم اساسنامه دادگاه ویژه سیرالتون، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مدنظر بوده است، ولی در این مورد جدایی ملموسی از مقررات دیوان به خوبی ملاحظه می‌گردد، چرا که اساسنامه دیوان به صراحت تعقیب و محاکمه اشخاص کم‌تر از هجده سال را که هنگام اقامه دعوا در این سن قرار دارند، ممنوع کرده است. نهادهای حامی کودکان و حقوق بشر به شدت از به محاکمه کشاندن کودکان انتقاد نموده‌اند، ولی با این حال به دلیل حمایت قاطع حکومت سیرالتون از این محاکمات، سازمان ملل در وضع این مقررات مصمم‌تر گردید. البته دادستان این دادگاه در نوامبر ۲۰۰۲ صریحاً اعلام نمود که او کودکان زیر هجده سال را تعقیب کیفری نخواهد کرد، زیرا قید تحقق صلاحیت شخصی مقرر در ماده یک اساسنامه این دادگاه، یعنی به دوش کشیدن بیش‌ترین مسؤولیت در ارتکاب جنایات در مورد آن‌ها محقق نخواهد گشت. نکته پایانی در خصوص صلاحیت شخصی این دادگاه این است که دادگاه ویژه همچون دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق تنها نسبت به اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت.

در مورد شعبات فوق العاده کامبوج، مطابق ماده دو قانون ایجادکننده شعبات فوق العاده، این شعبات نسبت به رهبران کامپوچه دموکراتیک و کسانی که بیش‌ترین مسؤولیت

1. The convention on the right of the child (1989)

را در قبال جرایم و تجاوزات شدید به قوانین کیفری کامبوج، حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی و عرف بین‌الملل که توسط نظام کامبوج مورد پذیرش قرار گرفته است، صلاحیت دارند. البته این پرسش مطرح شده است که معیار تعیین کسانی که بیش‌ترین مسؤولیت را بر عهده می‌گیرند، چیست؟

صلاحیت هم‌عرض و مقدم بر دادگاه‌های ملی^۱

به موجب ماده هشت اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، این دادگاه با دادگاه‌های ملی این کشور دارای صلاحیت موازی می‌باشد. با این حال، این دادگاه صلاحیت مقدمی بر این دادگاه‌ها نیز خواهد داشت و بر این اساس، این اختیار را خواهد داشت که از دادگاه‌های ملی سیرالئون بخواهد که در خصوص پرونده‌ای دادرسی را به تعویق بیندازند و مشتکی عنه را به این دادگاه جهت محاکمه مسترد نمایند. برای نمونه در ۱۰ جولای ۲۰۰۲، انتقال فودی سانکوه به دادگاه ویژه سیرالئون درخواست شد.

به صلاحیت موازی در ماده ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا و ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق نیز اشاره شده است. هر دوی این دادگاه‌ها صلاحیت مقدمی بر دادگاه‌های ملی خواهند داشت و این تقدم در همه مراحل دادرسی اعم از بازجویی، تحقیقات و محاکمه اعمال خواهد شد. البته باید توجه داشت از آنجا که این دو دادگاه تحت فصل هفتم از منشور سازمان ملل تأسیس یافته‌اند، آن‌ها افزون بر صلاحیت برتر نسبت به دادگاه‌های ملی رواندا و یوگوسلاوی سابق، حق تقدیم صلاحیت خود بر دادگاه‌های کشور ثالث و صدور دستور برای استرداد متهم مقیم در آن کشور را خواهند داشت. اما در مورد دادگاه ویژه سیرالئون این حق به این اندازه نیست. با وجود این، اگر متهمی خارج از کشور سیرالئون باشد و توسط دادگاه ویژه این کشور تحت تعقیب باشد، قرار بازداشت بین‌المللی^۲ از سوی دادگاه می‌تواند صادر گردد. اساسنامه این دادگاه نیز اشاره داشته است که همه کشورها می‌باید به این قرار احترام بگذارند و آن را رعایت نمایند، ولی اگر کشوری از این دستور تبعیت ننماید و یا فرد مورد تعقیب در رأس حکومت باشد، همچون پرونده چارلز تیلور از لیبریا، دادگاه ویژه سیرالئون می‌تواند از شورای امنیت

1. Concurrent jurisdiction & primacy over national courts

2. International arrest warrant

درخواست کند که به نیابت از او در قضیه دخالت نماید. در حقیقت اگر قرار بازداشتی توانایی اجرا نداشته باشد و یا کشوری از اجرای آن خودداری ورزد، این دادگاه این حق را خواهد داشت که مستقیماً به شورای امنیت جهت مداخله این شورا برای استرداد متهم مراجعه کند.

در دادگاه بین‌المللی رواندا نیز عدم توجه به درخواست دادگاه ویژه این کشور برای استرداد متهم، این اختیار را به رئیس دادگاه می‌دهد که طی اعتراضی رسمی به شورای امنیت دخالت این نهاد را خواستار گردد. البته همانطور که اشاره شده است، تقدم صلاحیت بر دادگاه‌های ملی حقیقی برای دادگاه بین‌المللی رواندا به شمار می‌رود، نه تکلیف به همین دلیل، اگر دادگاه بین‌المللی رواندا تشخیص دهد که در دادگاه‌های ملی این کشور دادرسی عادلانه^۱ انجام می‌گیرد و نیز مجازات اعدام صادر نمی‌گردد، می‌تواند برخی از پرونده‌ها را به این دادگاه‌ها مسترد نماید. این رویه منجر به حذف مجازات اعدام از سوی دولت رواندا و تلاش برای انجام دادرسی‌های عادلانه گردید. این امر در نهایت منجر به ارجاع پرونده‌های بیشتری به دادگاه‌های ملی این کشور شد.

در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۲ بر خلاف دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق و دادگاه ویژه سیرالئون، تصریح گردیده است که صلاحیت دادگاه‌های ملی بر این دادگاه مقدم است، مگر آنکه کشوری نخواهد و یا نتواند به جرایم بین‌المللی رسیدگی نماید.

روند دادرسی و پی‌آمدهای آن

دادگاه ویژه سیرالئون نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق با سرعت بیش‌تری اقدام به صدور کیفرخواست و محاکمه متهمان کرده است. در دادگاه بین‌المللی رواندا به خاطر کندی کار، هزینه زیاد و نبود بودجه کافی و گزینشی بودن اقدامات و دخالت‌های دولت این کشور، روند دادرسی با روند بسیار آهسته‌ای روبرو بود. این حرکت آهسته با تغییر دادستان، افزایش بودجه و اضافه شدن قضات مستقل دگرگون شد و شتاب بیش‌تری به خود گرفت.

1. Fair trials

2. The rome statute of the international criminal court, Art 17

هم‌چنین به خاطر دخالت نظام حقوقی سیرالتون در روند دادرسی‌های دادگاه ویژه این کشور، دادرسی‌های برگزار شده در این دادگاه، آموزش و تجربه بیش‌تر و بهتری نسبت به محاکم بین‌المللی دیگر ارایه داد. افزون بر این‌ها از آنجا که دادگاه ویژه در خود کشور سیرالتون مستقر بود و بخشی از هیئت حقوقی و قضایی منتخب حکوت این کشور بود، این خود منجر به درک بهتری از حوادث رخ داده در این کشور و چگونگی بازگردانی صلح و آرامش به این کشور شد. در حالی که دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق از این لحاظ اغلب از مردم فاصله گرفتند و دیدگاه‌های حاکم بر آن‌ها فاصله بسیاری با نظرات شهروندان رواندایی داشت (بریا، همان، ص ۲۴). با وجود این‌ها نمی‌توان انکار نمود که محاکمات جنایتکاران درگیری‌ها در رواندا منجر به افزایش سطح آگاهی مردم از آنچه که در این کشور اتفاق افتاده بود، شده است و از همه مهم‌تر اینکه رویه قضایی بین‌المللی در جریان دادرسی‌ها در دادگاه بین‌المللی رواندا پیشرفت قابل توجهی در حوزه‌های متعددی از حقوق بین‌الملل کیفری داشت. برای نمونه در حکم صادر شده برای پرونده آکایسو، تعریف دقیق و درستی از نژادپرستی^۱ به منظور اثبات نسل‌کشی صورت گرفت و نیز درک حقوقی نوینی از مفهوم تجاوز جنسی به عنوان وسیله‌ای برای نسل‌کشی صورت گرفت.

نتیجه

به عنوان نتیجه می‌توان گفت، بی‌تردید دسترسی به صلح و امنیت ماندگار و برپایی دوباره اصول و قواعد حقوقی و تجدید بنای آن‌ها و آمیزش آن‌ها با اصول و قواعد نوین در گرو استقرار تشکیلاتی است که ضمن کیفر مجرمان این اهداف را نیز تأمین و هم‌چنین پیام‌های روشنی به سایر جنایتکاران در کشورهای همسایه مخابره نماید. پیگیری این اهداف و تلاش برای تحقق آن‌ها به خوبی در اساس شکل‌گیری دادگاه‌های بین‌المللی همچون دادگاه بین‌الملل کیفری رواندا و یوگوسلاوی سابق و دادگاه ویژه سیرالتون دیده می‌شود.

در رواندا دادگاه‌های ملی به موجب قوانین داخلی این کشور بررسی بخشی از جرایم و محاکمه جنایتکاران را بر عهده گرفتند و در پی آن‌ها محاکم (شوراها) گاکاکا جهت دستیابی هر چه بهتر به حقیقت و دخالت مؤثر مردم در این کشور تأسیس و به طور

1. Ethnicity

مؤثری وارد روند رسیدگی شدند. به موازات رسیدگی این محاکم، به جرایم شمار اندکی از متهمان در دادگاه‌های خارجی رسیدگی شد. دادگاه بین الملل کیفری این کشور نیز توسط شورای امنیت تشکیل یافت و با صلاحیت زمانی محدود اقدام به رسیدگی به جنایات مهم همچون نسل‌کشی نمود.

ویژگی‌های برجسته‌ای که دادگاه‌های با سیستم نوین دو پیوندی امکان تأمین آن‌ها را داشتند، همچون استقرار دادگاه در کشور محل درگیری و در نتیجه دسترسی سریع‌تر و بهتر به ادله و قربانیان و نیز کمک در جهت رشد حقوق داخلی آن کشورها در سیرالتون نیز مورد توجه قرار گرفت و با توافق حکومت این کشور و سازمان ملل متحد دادگاه ویژه‌ای به منظور رسیدگی به جرایم به وقوع پیوسته در این کشور تاسیس یافت. این دادگاه با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از اصول و قواعد حقوق داخلی و بین‌المللی رسیدگی به جرائم ارتكابی را آغاز نمود. این دادگاه از لحاظ نحوه تشکیل، مقررات حاکم، زمان آغاز به کار و چندین جنبه دیگر با دادگاه‌هایی که پیش‌تر توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد شده بودند، تفاوت داشت و در نتیجه دگرگونی برخی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری را به خوبی می‌توان در جریان شکل‌گیری و رسیدگی این دادگاه مشاهده نمود.

منابع و مأخذ

۱. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۵)، "سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی"، تئوری و عمل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.
۲. خاکی، روناک (۱۳۸۷)، "جرم‌نگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری"، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، سال ۲۵، پاییز و زمستان، صص ۱۴۱-۱۴۶.
۳. طباطبایی، سیداحمد؛ میری، حمید (۱۳۸۵)، "دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا"، مجله اندیشه‌های حقوقی، دانشگاه تهران (پردیس قم)، شماره نهم، صص ۳۵-۶۶.
۴. طهماسبی، جواد (۱۳۸۶)، "قلمرو صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی"، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۷، پاییز و زمستان، صص ۱۱-۴۵.
۵. علامه، غلام حیدر (۱۳۸۵)، "جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری"، چ اول، تهران، نشر میزان.
۶. فیوضی، رضا (۱۳۸۶)، "حقوق بین‌الملل کیفری"، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، "حقوق بین‌الملل کیفری"، چ دوم، تهران، نشرمیزان.
8. Abidjan peace agreement, 30 November 1996.
9. Agreement between the United Nations and the government of Sierra Leone on the establishment of a special court for sierra leone signed on 16 January 2002.
10. Agreement between the United Nations and the royal government of Cambodia concerning the prosecution under cambodian law of crimes committed during the period of democratic Kampuchea signed on 6 January 2003.
11. Barria, Lilian A. & Steven D. Roper. (2005), "Providing justice and reconciliation: the criminal tribunals for sierra leone and cambodia", human rights review, October-December, pp.5-26.
12. Ceasefire agreement, 10 November 2000.
13. Economic community of western african peace plan.
14. Geib Robin and Noemie Bulinckx. (2006), "International and internationalized criminal tribunals a synopsis", International Review of The Red Cross, Volume 88 Number 861 March, pp.49-63.
15. Law on the establishment of the extraordinary chambers in the courts of Cambodia (NS/RKM/0801/12), promulgated on 10 Aug. 2002, as amended on 27 Oct. 2004.
16. Lome peace agreement 1999.
17. Mackenzie, ruth and philippe sands. (2003), "international courts and tribunals and the independence of the international judge", Harvard international law journal, Vol. 44, number 1, pp.271-285.
18. Othman, mohamed C. (2005), "accountability for International

- humanitarian law violations: the case of rwanda and East Timor*", springer berlin heidelberg, saturday, december 10.
19. Rome statute of the international criminal court (ICC Statute) 17 July 1998.
 20. Security council resolution 1315(2000).
 21. Security council resolution 808 (1993).
 22. Security council resolution 955 (1994).
 23. Stafford, nancy kaymar.(2003), "A model war crimes court: sierra leone", ILSA Journal of International & Comparative Law, Vol. 10, No. 117, pp. 117-142.
 24. Statute of international criminal tribunal for the former Yugoslavia (ICTY Statute) 1993.
 25. Statute of special court for Sierra Leone (SCSL St-ature) 2002.
 26. Statute of the international criminal tribunal for rwanda (ICTR statute) 1994.
 27. Steinitz, Dr. Maya. (2006), "An international 'generalized other': the social negotiation of moral authority at the international criminal tribunal for rwanda", june, available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=905340>.
 28. The case of prosecutor v. akayesu, ICTR (1998).
 29. The case of prosecutor v. kunarec, ICTY (2001).